

مدیریت تحول علوم انسانی در آرا و اندیشه‌های امام خامنه‌ای (حفظه الله)

سیدامیر سخاوتیان

پژوهشگر پژوهشکده مطالعات تقریبی. نویسنده مسئول، ایران، قم.

Sekhavatian@yahoo.com

محمدباقر عباسی

پژوهشگر دانشگاه امام حسین (علیه السلام)، ایران، تهران.

rara6262@yahoo.com

چکیده

با وجود اهمیت علوم انسانی و نقش بسزای آن در احیای فرهنگ دینی-ملّی و توسعه علوم و فناوری، این علوم در دانشگاه‌های ایران آن‌گونه که لازم است مورد توجه قرار نگرفته و جایگاه شایسته‌ای ندارد. هدف از پژوهش حاضر، بررسی نقش و جایگاه مدیریت تحولات علوم انسانی در آرا و اندیشه‌های امام خامنه‌ای (حفظه الله) است. این پژوهش به صورت نظری و با روش سندکاوی انجام گرفته است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که مبانی مادی و ضدّ دینی، ماهیت غربی، الگوگیری بی‌قید و شرط از نظریه‌ها و تولیدات غربی، نادیده‌انگاشتن جایگاه و منزلت نخبگان، دانش‌آموختگان، مؤسسات و تولیدات علوم انسانی، مهم‌ترین چالش‌هایی هستند که از دیدگاه امام خامنه‌ای (حفظه الله)، علوم انسانی در دانشگاه‌های ایران با آنها روبه‌رو است. همچنین، یافته‌ها نشان می‌دهد که استخراج مبانی این علوم از دین، بومی‌سازی، نظریه‌پردازی، تولید علم و نوآوری‌های علمی و لزوم توجه کافی به جایگاه نخبگان، دانش‌آموختگان، مؤسسات علوم انسانی، مؤثرترین راهکارها در مرتفع کردن نواقص و بهبود وضعیت علوم انسانی در آرا و

اندیشه‌های امام خامنه‌ای (حفظه‌الله) است.

کلیدواژگان: امام خامنه‌ای (حفظه‌الله)، علوم انسانی، تحول، مدیریت، بحران علوم انسانی.

بیان مسئله

یکی از دغدغه‌های حضرت امام خامنه‌ای (حفظه‌الله) که در سخنرانی‌های مختلف به‌ویژه در چند سال اخیر بر آن تأکید ورزیده‌اند مسئله «علوم انسانی» و مشکلات آن است. ایشان بارها گلایه خود را در مورد وضعیت موجود این علوم ابراز داشته و تحول اساسی در محتوای درسی رشته‌های مختلف این علوم را لازم شمرده‌اند. بدون آنکه به مناقشات مربوط به تعریف علوم انسانی وارد شویم، برای روشن شدن حوزه این علوم همین مقدار اشاره می‌شود که علومی مانند: جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، روان‌شناسی اجتماعی، علوم سیاسی، اقتصاد، مردم‌شناسی، تاریخ، جغرافیا، علوم ادبی، فلسفه، هنرهای زیبا و... ذیل عنوان علوم انسانی قرار می‌گیرند.

حضرت امام خامنه‌ای (حفظه‌الله) علاوه بر اینکه بر تولید علم و نهضت عظیم نرم‌افزاری به شکل عام برای رسیدن به استقلال و اقتدار کشور در موارد متعدد تأکید می‌کنند نگاه ویژه‌ای نیز به علوم انسانی دارند. توسعه علوم و فناوری در بستر فرهنگی مناسب امکان‌پذیر است و این به نوبه خود نیازمند توسعه علوم انسانی در جامعه است. با وجود اهمیت علوم انسانی و نقش بسزایی که در احیای فرهنگ دینی-ملّی و توسعه علوم و فناوری دارد، این علوم در دانشگاه‌های ایران آن‌گونه که لازم است، مورد توجه قرار نگرفته و جایگاه شایسته‌ای ندارد. در حالی که دنیای غرب، پیوسته در مقام تجدیدنظر در نظریه‌های موجود در علوم انسانی، بررسی نتایج آنها و ایجاد تعامل بین علوم انسانی و علوم تجربی بوده است، در دانشگاه‌های ایران کمتر به ابعاد عملی این علوم توجه شده است و در بُعد نظری، تنها به تدریس متون غربی اکتفا کرده و حداکثر، حاشیه‌هایی بر آنها می‌زنند. چرا جامعه علمی ایران ساختن انواع ابزار و... را برای جبران عقب‌ماندگی صنعتی تجربه برمی‌گزیند، ولی حاضر نیست در علوم انسانی که زمینه‌ساز فرهنگ عمومی و به دنبال آن توسعه کشور در همه زمینه‌ها از جمله علم و فناوری است، سرمایه‌گذاری و تلاش کند؟ تلاش در راستای نیل به تمدن اسلامی-ایرانی از منویات حضرت امام خامنه‌ای (حفظه‌الله) است و این منویات امکان‌پذیر نیست تا اینکه انسانی متناسب با آن تربیت یابد. تربیت این نوع از انسان‌ها نیز از وظایف علوم انسانی است؛ بنابراین، مدیریت تحولات علوم انسانی در آرا و اندیشه‌های راهبردی حضرت امام خامنه‌ای (حفظه‌الله) موضوع اصلی این مقاله است. مرتفع کردن این چالش‌ها نیاز به توجه

جدی همهٔ اقشار به‌ویژه نخبگان، جامعه دارد.

با توجه به آنچه بیان شد، بررسی و شناسایی این چالش‌ها امری ضروری است که می‌تواند نهادهای آموزشی و فرهنگی به‌ویژه دانشگاه‌ها را در به‌کارگیری راهکارهای مناسب در جهت بهبود وضعیت علوم انسانی و به‌دنبال آن توسعهٔ پایدار ایران اسلامی در همهٔ عرصه‌های علمی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و... یاری رساند. با توجه به جامعیت علمی و اصالت نظرات رهبر فرزانهٔ انقلاب اسلامی و تأکیدات ایشان بر تبیین رسالت‌ها و راهبردها در این زمینه، در این مقاله تلاش شده است وضعیت علوم انسانی با تکیه بر دیدگاه حضرت امام خامنه‌ای (حفظه‌الله) مطالعه و بررسی شود.

ضرورت مسئله

علوم انسانی بدون مدیریت صحیح نمی‌تواند به سرانجام مطلوب برسد. مدیریت آن هم می‌تواند در ساماندهی پژوهش‌های کمی و کیفی باشد و هم در ساماندهی نیروهای فعال در آن. رهبری انقلاب، به‌عنوان عالی‌ترین فرد که رهبری جامعه را بر عهده دارد، آماج‌یابی و ترندگذاری را برعهده دارد. بعد از بیان این آماج‌ها و ترندها، نیاز است که گروهی به تبیین شرایط و راهکارهای نیل به این اهداف و نشانه‌پردازند؛ از این‌رو، پژوهش مذکور و پژوهش‌های مشابه برای بسترسازی در عرصهٔ مبنایی تمدن ضرورت می‌یابد. زیرا ماهیت تبیین آماج و ترندهای عالی نظام را در حد توان خود بر عهده دارد.

تبیین آماج و ترندها در لایه‌های متعدد صورت می‌پذیرد. گاهی در سطح مبانی و گاهی نیز در سطح مدیریت است. تبیین آنها هم در سطح مبانی ضرورت دارد و هم در سطح مدیریت. اما پژوهش مذکور به وظیفهٔ خود در لایهٔ مدیریت و آن هم در برخی از مؤلفه‌های آن می‌پردازد. در پژوهش‌های مشابه، جای خالی پژوهش در زمینهٔ بررسی آماج و ترندهای عالی نظام اسلامی به‌وضوح دیده می‌شود. در نتیجه ضرورت اقتضا کرد تا این نوشتار بر این اساس سامان یابد. هرگاه سخن از علم اسلامی می‌شود، برخی آن را پادوکسیکال می‌دانند (مصباح یزدی، ۱۳۹۳: ص ۲۱۶). به‌تبع این نوع از شبهات، علوم انسانی اسلامی نیز مورد هجمه قرار می‌گیرد؛ از این‌رو، مواجهه با آنها آماج‌شناسی و مدیریت عالی و دقیق می‌طلبد.

چیستی مدیریت مدیریت^۱ در لغت

مدیریت یک مصدر جعلی در لغت عربی از ریشه «دور» باب افعال است. الفاظی همچون دوران، دوار و استداره از این ریشه مشتق می‌شوند (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۴، ص ۲۹۵). لفظ مدیر اسم فاعل دور در باب افعال است (مدنی شیرازی، ۱۳۸۴: ج ۷، ص ۴۵۴). واژه مذکور به کمک «یاء» و «تاء» مصدری به مصدر تبدیل شده است. مصدر اصلی در این باب «اداره» است. مدیر در فارسی به معنای گرداننده و اداره‌کننده یک فعل یا مجموعه را می‌گویند. در فرهنگ‌های فارسی در معنای آن چنین آمده است: کسی که کاری را اداره کند، اداره‌کننده و گرداننده است. فرهنگ عمید نیز آن را اسم فاعل به معنای اداره‌کننده می‌داند (عمید، ۱۳۷۱: ص ۱۰۷۱). معادل آن در زبان انگلیسی Management به معنای فعالیت یا هنری است که برای اداره چیزی به کار می‌رود (Webster, 2003: p 750).

با توجه به آنچه در معنای لغوی مدیریت بیان شد، مدیریت مصدر جعلی دور در باب افعال است، به عبارتی از اسم فاعل این باب یک مصدر جعلی ساخته شده است؛ از این رو، باید با توجه به معانی حاصل از آن معنا شود. با این نگاه، مدیر کسی است که اداره مجموعه‌ای را بر عهده دارد. این مجموعه می‌تواند یک سازمان یا نظام در خارج باشد یا یک طرح و برنامه در ذهن. با مصدرشده لفظ مدیر دو احتمال وجود دارد: اول این واژه در بردارنده همان معنای مصدر باب افعال یعنی اداره باشد. در این صورت اشکال می‌شود، اگر این دو معنا یکسان بود چرا از لفظ اداره استفاده نشد. دیگر آنکه معنایی غیر از معنای باب افعال ولی مرتبط با آن داشته باشد، یعنی کار مدیر را انجام‌دادن باشد. لفظ مدیر مصدر جعلی شده است یعنی فعل و کار او مراد واضح این لفظ است. در این صورت، مدیریت به معنای انجام کار مدیر است. یعنی خواهد شد: «انجام‌دادن فعل مدیر». اما کار مدیر می‌تواند صرف افعال جزئی او باشد و مراد از آن می‌تواند ملکه این افعال باشد. هر یک از این دو معنا برای خود لوازمی دارد که در تعریف اصطلاحی روشن خواهد شد.

مدیریت در اصطلاح

در کتاب‌های مدیریت، تعاریف بسیار زیادی برای واژه مدیریت ارائه شده است، که هر یک با

توجه به رویکرد نویسنده آن انتخاب شده است. در یکی از این تعاریف که از رایج‌ترین آنها است، مدیریت به علم و هنر برنامه‌ریزی (پیش‌بینی)، سازمان‌دهی (تقسیم کار و تفکیک وظایف)، هدایت و رهبری (راهنمایی کردن زیردستان و توانایی نفوذ کردن در دل ایشان)، نظارت و کنترل (ناظر بودن بر اعمال ایشان و اصلاح اشتباهاتشان) و در نهایت، ایجاد هماهنگی (برقراری نگرش سیستمی بین کارکنان) تعریف شده است. در این تعریف، مدیریت با توجه به ماهیت و مفهوم آن نیست بلکه با توجه به افعالی است که از مدیر صادر می‌شود. باید توجه داشت که فعل از هر موجودی، اعم از انسان یا غیرانسان، موجود زنده یا ربات ممکن است صادر شود. الفاظی همچون هنر یا علم در آن نمی‌توان جابر ضعف تعریف باشد.

در تعریف لغوی مدیریت دو احتمال دیده شد: اول اینکه مراد واضح از این لفظ افعال جزئی مدیر باشد که برای اداره مجموعه به کار می‌رود و دیگر ملکه حاصله برای مدیر در اداره مجموعه به معنای مدیریت باشد. اگر اول مراد باشد؛ در این صورت، این افعال از هر که سر زده باشد مدیر نام دارد. زیرا مراد از تعریف صرف این افعال است. خواه این فرد از روی شعور به این اعمال دست زند یا خیر. اما آنچه از معنای مدیریت به دست می‌آید، این افعال باید از روی شعور انتخاب و عمل شود؛ از این رو، در ظاهر تعریف آن به ملکه اداره مجموعه بسیار با آنچه در ذهن تبادر می‌یابد نزدیک‌تر است. پس تعریف اصطلاحی مدیریت خواهد شد؛ ملکه حاصله برای شخص ذی‌شعور در اداره یک مجموعه اعم از حقیقی خارجی یا طرح‌های ذهنی را مدیریت گویند. در این تعریف مدیریت با توجه به افعال معنا نشده است بلکه با توجه به ملکه موجود در شخص متصدی آن تعریف شده است و افعال صادره از او حاصل این ملکه است.

یکی از مشکلات در مدیریت جامعه و در ایران آن است که درک صحیحی از معنای مدیریت وجود ندارد؛ از این رو، هر کس که در او ملکه مدیریت وجود ندارد به عنوان مدیر یک مؤسسه یا مرکز معرفی می‌شود؛ از این رو، حاصل آن چیزی جز اتلاف وقت و انرژی نیست. این مسئله در مدیریت‌های فنی و مهندسی آسیب فراوانی را به همراه داشته است. حال اگر به آن در مسئله انسان درست توجه نشود، آسیب‌هایی به مراتب بزرگ‌تر و سنگین‌تر در بر خواهد داشت. مسائل فنی و مهندسی - اگرچه بسیار مهم است - درباره اتومبیل و دستگاه‌هایی است که در خدمت انسان هستند. ضعف در آنها صرفاً ضعف در تکنولوژی و صنعت فنی است که در نهایت، آسیب آن به جسم و جان خواهد رسید. اما ضعف در علوم انسانی نه تنها آسیب به جسم و جان انسان دارد بلکه اصل انسانیت او را هم مورد هدف قرار می‌دهد.

علوم انسانی^۱ و نقش آن در ایران اسلامی

دانش‌آموزان ایرانی هنگامی که وارد مقطع متوسطه می‌شوند با واژه علوم انسانی به‌عنوان یک رشته تحصیلی در برابر علوم ریاضی و تجربی آشنا می‌شوند. اما در بین آنها کمتر کسی است که بتواند به‌درستی فرق و اهمیت آن را دریابد. این عدم درک به‌قدری در جامعه سرپان دارد که بسیاری از خانواده‌ها ترجیح می‌دهند فرزندان درس‌خوان را به رشته‌های فنی و مهندسی همانند برق و مکانیک هدایت کنند. خانواده‌های ایرانی کمتر به استعداد و توانایی فرزند خود دقت می‌کنند و بیشتر آرزوهای دست‌نیافته خود را در کودکان و فرزندان جست‌وجو می‌کنند. غافل از اینکه شهرت جهانی ایران در طول تاریخ بیش از آنکه به بُرج‌ها، کاخ‌ها و بناهای تاریخی باشد، به بنیان انسانی آن است. ادبیات ایران با حافظ، سعدی و خیام، فلسفه آن با ابن‌سینا، فارابی و هنر آن با استاد کمال‌الملک و استاد فرشچیان بیشتر از صنعت و تکنولوژی او شناخته شده است. علوم موجود با این ساختار و به‌تبع آن دانشگاه‌ها و مراکز علمی از اساس دچار نقصان هستند (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ص ۱۳۵).

ازسوی دیگر، دین مبین اسلام با بیان اهداف خود نشان می‌دهد که در پی انسان‌سازی است. او در قرآن کریم می‌فرماید: «قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ» (بقره: ۲۵۶): «راه درست از راه انحرافی، روشن شده است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳: ص ۴۲).

خدای متعال در این آیه با صراحت هدف خود را تربیت انسان اعلام می‌کند. از مفاد آن فهمیده می‌شود که ایمان قلبی با اجبار حاصل نمی‌شود، بلکه با برهان، اخلاق و موعظه می‌توان در دل‌ها نفوذ کرد؛ به عبارتی، خدای متعال می‌فرماید که من می‌خواهم انسان را از طریق برهان و عقل تربیت کنم؛ از طرفی دیگر، قوانین جزایی اسلام همچون تعزیرات، حدود، دیات و قصاص و واجباتی همچون نهی از منکر و جهاد، نشانه آن است که حتی اگر کسی قلباً به خدای متعال و نظام اسلامی اعتقاد ندارد، حق ناهنجاری در نظام اجتماعی اسلام را هم ندارد. شاید او حق انتخاب در دین را داشته باشد ولی حق ایجاد ناهنجاری در نظام اجتماعی اسلام را ندارد (قرائتی، ۱۳۸۳: صص ۴۰۹-۴۰۷)؛ ازسوی دیگر، در جای دیگر می‌فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (انفال: ۶۰): «هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آنها [دشمنان]، آماده سازید» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳: ص ۱۸۴).

این آیه نیز با آیه قبل منافاتی ندارد و در پی تربیت انسان‌ها است. تربیت انسان الهی در یک نظام

الهی صورت می‌پذیرد و این نظام همیشه مورد تهدید نظام‌های طاغوتی است. پس باید به حفظ حدود خود با هدف تربیت انسان پردازد.

حال باید دید که علوم انسانی چیست؟ علوم انسانی یا انسانیات دسته‌ای از علوم یا مطالعات است که دربارهٔ موضوعاتی همچون جامعه، فرهنگ، زبان، رفتار ذهن و روان انسان به پژوهش می‌پردازد؛ به عبارتی، هر آنچه به مختصات انسان مربوط شود در این مجموعه علوم یا مطالعات مورد تحقیق و پژوهش قرار می‌گیرد. انسان نسبت به خود، محیط و همچنین، همهٔ نظام هستی فعل و انفعالاتی دارد. تحلیل همهٔ فعل و انفعالات او از مخفی‌ترین حالات مانند تصورات ذهنی تا ظاهری‌ترین آنها مانند افعال و کارهای جوارحی او ذیل تحقیقات انسانی صورت می‌پذیرد. البته نباید از یاد برد که همهٔ علوم به نوعی با انسان ارتباط دارند (Copleston, v5: p ۲۶۰).
علمی همچون پزشکی یا فنی که به جسم انسان یا اشیای خارج از جسم انسان می‌پردازند در زمرهٔ پژوهش‌های انسانی نیستند. اما اگر حیث خاصی از رفتار انسانی اعم از ذهنی یا خارجی مربوط به رفتار انسان را دربرگیرند می‌توانند به مجموعهٔ این دسته از مطالعات وارد شوند. از این جمله علوم می‌توان به فلسفهٔ فیزیک، فلسفهٔ ریاضی و فلسفهٔ زیست‌شناسی اشاره کرد. البته گاهی مراد از علوم انسانی رفتار انسان است و گاهی نیز حقیقت انسان. فرق بین این دو نگاه در روش‌شناسی علوم انسانی نمایان می‌شود. با توجه به آنچه بیان شد، سه پرسش اساسی دربارهٔ علوم انسانی پدید می‌آید:

۱. موضوع علوم انسانی چیست؟

۲. روش علوم انسانی چیست؟

۳. اهمیت علوم انسانی چیست؟

موضوع علوم انسانی

موضوع علوم انسانی، همان‌گونه که در گذشته بیان شد، بررسی تحولات مربوط به رفتار انسان است. در طی روز و حتی در حین خواب از هر انسانی رفتاری سر می‌زند. هنگامی که خواب است، هنگامی که غذا می‌خورد، آن‌گونه که راه می‌رود، در برابر دیگران نحوه‌ای خاص از آداب معاشرت را رعایت می‌کند، در حین رانندگی حرکات و افعال خاصی از خود نشان می‌دهد، احترامی که به چراغ راهنمایی می‌گذارد، حقوق دیگران را رعایت می‌کند، حتی در آن لحظه که شعر می‌گوید و با قلم نی بر روی کاغذ هنرنمایی می‌کند، همه‌وهمه افعالی از انسان هستند که مورد تحقیق و پژوهش قرار می‌گیرد. البته نباید فراموش کرد علوم تجربی و علوم فنی اگر فی‌نفسه مطالعه شوند،

از علوم انسانی محسوب نمی‌شوند اما اگر به‌عنوان فعلی از افعال انسان باشند، به مجموعه این نوع از مطالعات وارد خواهند شد.

روش علوم انسانی

این علم نیز همانند علوم دیگر دارای ابزارهای پژوهش است. در سال‌های پایانی قرن نوزدهم و آغازین قرن بیستم که علوم تجربی و به‌تبع آن علوم فنی رشد سرشاری یافت؛ روش تجربی توانایی بسیاری در تبیین پدیده‌ها به‌دست آورد. به‌تبع این پیشرفت‌های چشمگیر، روش تجربی وارد علوم انسانی نیز شد و سبب پیدایش پوزیویسم در عرصه علوم انسانی شد. در این دوره بود که بیان شد هر آنچه با روش تجربی از طریق مشاهده به‌دست آید، علم محسوب می‌شود (چالمرز، ۱۳۸۵: ص ۱۳). البته گرایش به روش تجربی چیزی نبود که از این دوران آغاز شود بلکه به دوران قبل از آن یعنی عصر نیوتن و موفقیت‌های علم فیزیک برمی‌گشت. از این دوران بود که روش عقلی و همچنین، وحی رنگ خود را از دست داد تا در قرن بیستم میوه‌ای به نام تجربه را در همه عرصه‌های علمی برچید.

روش علوم انسانی در جهان امروز مبتنی بر تجربه و آزمایشات تجربی است. البته در برخی از مسائل روش تجربی او با علوم فنی و همچنین تجربی تفاوت دارد. اما ماهیت تجربی خود را از دست نداده است. این مسئله ناشی از آن است که دامنه وجود انسان در ترازوی تجربه مادی بگنجد. در حالی که انسان از منظر الهی دارای ابعاد متعدد است. یکی از ابعاد او همین حیث مادی است، اما ابعاد دیگری همچون ابعاد الهی دارد. دو بُعدی بودن انسان نه تنها در اندیشه قرآنی و اسلامی بلکه حتی در برخی از مکاتب فلسفی غرب نیز پذیرفته شده است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۹: صص ۲۹-۲۱)؛ از این رو، ابعاد پژوهش درباره انسان نمی‌تواند منحصر در تجربه باشد. زیرا ابعاد وجودی انسان منحصر در وجود مادی نیست. البته اگر مراد از علوم انسانی رفتار انسان باشد، شاید بتوان آن را بر تجربه منحصر کرد. اما اگر مراد از علوم انسانی شناخت حقیقت و کشف ابعاد وجودی انسان و به‌تبع آن رفتار انسان باشد دیگر صرف تجربه پاسخ‌گو نیست و باید به ابزارهای دیگری برای علم به حقایق انسان همچون عقل و وحی نیز رجوع کرد.

اهمیت علوم انسانی

در نظام عالم هستی هیچ چیزی بی‌اهمیت نیست. اما برخی از مسائل نسبت به برخی دیگر اهمیت بیشتری دارند. فهم اهمیت علوم انسانی متوقف بر فهم اهمیت انسان است. در نگاه برخی

از مکاتب غربی، انسان حاکم و مالک عالم است و غایت آن رسیدن به نهایت بهره و لذت از این نظام هستی است. در اینجا انسان محور عالم هستی می‌شود و او مانع شکل می‌یابد. در این نگاه مهم‌ترین امری که اصالت دارد انسان است. در نتیجه همه موجودات باید به نوعی در خدمت انسان باشند (نبویان، ۱۳۸۷: ص ۴۷)؛ در مقابل آن، دیدگاه دیگری وجود دارد که انسان را در محضر خدا می‌داند. در اینجا انسان بالأصالت مراد نیست. اگرچه خلیفه الله است و خدای متعال در حق او می‌فرماید: «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (بقره: ۳۰): «من در روی زمین، جانشینی [نماینده‌ای] قرار خواهم داد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳: ص ۶).

اما این انسان تجلی ذات الهی است و افتخار او است که عبدالله شود؛ از این رو، در وصف پیامبر اعظم (صلی الله علیه وآله و سلم) می‌گویند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيَّ عَبْدِي الْكِتَابَ» (الکهف: ۱): «حمد مخصوص خدایی است که این کتاب (آسمانی) را بر بنده (برگزیده) اش نازل کرد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳: ص ۲۹۳).

در اهمیت علوم انسانی یا مطالعات انسانی همین بس که ضعف آن در غرب سبب دو جنگ جهانی شد. دو جنگ بزرگی که شاید در طول تاریخ بشر سابقه نداشته باشد. در طی چند سال میلیون‌ها انسان آواره و کشته شدند. خسارت‌هایی برجای گذاشت که آثار برخی از آنها سال‌های سال و برخی دیگر هنوز باقی است. در آغازین سال‌های قرن بیستم علوم فنی و تجربی رشد فراوانی داشتند ولی به موازات آن علوم انسانی چندان رشد نکرد. آنها به بلوغ تکنولوژیکی رسیده بودند، اما این هنوز مانند کودکی بود که قربانی آن دو شد. مظلومیت علوم انسانی در قرن بیستم به حدی بود که هم مبانی و هم بنای آن براساس علوم تجربی و فنی تعریف می‌شد و خود هیچ حرفی برای گفتن نداشت. در یک سخن کوتاه باید گفت نظام‌یافتن و سعادت بشری در گرو فهم صحیح علوم انسانی و تلاش بسزا در آن است.

از دیدگاه حضرت امام خامنه‌ای (حفظه الله) علوم انسانی به اندازه علوم صنعتی و پزشکی مهم است و پیشرفت و نظریه‌پردازی در آنها اهمیت ویژه‌ای دارد. ایشان بسیاری از حوادث و اتفاقات دنیا را ناشی از نظریه‌پردازی‌های دانشمندان این رشته‌ها می‌دانند و می‌فرمایند:

«بسیاری از حوادث دنیا حتی در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی و غیره، محکوم نظرات صاحب‌نظران در علوم انسانی است؛ در جامعه‌شناسی، در روان‌شناسی، و در فلسفه، آنها هستند که شاخص‌ها را مشخص می‌کنند»^۱.

۱. دیدار حضرت امام خامنه‌ای (حفظه الله) با دانشجویان و اساتید دانشگاه‌های شیراز، ۱۳۸۷/۰۲/۱۴.

از این جملات اهمیت فراوان پرداختن به این مسئله خود را نشان می‌دهد. همچنین، معظم‌له در پاسخ یکی از دانشجویان که از کم‌ارزش بودن این علوم در جامعه گلایه می‌کند می‌فرماید:

«در همین علوم انسانی، مثلاً تاریخ، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی‌ای که خودتان گفتید، پیشرفت کنید، حقیقتاً بدانید ارزشش نزد ما در جامعه و در سطح بین‌المللی، از یک پزشک پیشرفته یقیناً کمتر نیست؛ بلکه بیشتر هم هست. شما الان نگاه کنید، ببینید در این چهره‌های علمی معروف دنیا چند تا پزشک هستند، چند تا جامعه‌شناس یا مورخ وجود دارند. می‌بینید که تعداد و برجستگی این دومی بیشتر است. منتها باید کار کنید تا پیش بروید»^۱.

در جهان معاصر، علوم انسانی دچار چالش فراوان است. هم در مبانی دین‌شناختی که دچار سکولاریسم شده است و هم در انسان‌شناختی که اسیر امانیسم است (خسروپناه، ۱۳۹۴: ج ۱، ص ۲۱). اما در دامن این چالش‌ها باز هم نقش جهت‌دهی جامعه بشری را بر عهده دارد؛ از این رو، از دیدگاه امام خامنه‌ای (حفظه‌الله) علوم انسانی جهت‌دهنده و فکرساز است و مسیر و مقصد حرکت جامعه را تعیین می‌کند. می‌توان گفت یکی از دلایل مهم تأکید ایشان بر علوم انسانی این است که ایران کشوری در حال توسعه است و برای پیشرفت و توسعه، الگوی کاملی لازم است. در طول تاریخ چندصدساله ایران جریان‌های متعدد به‌عنوان اصلاحات و با هدف نیل به پیشرفت شکل یافت. اصلاحات گاهی در چهارچوب نظام سیاسی است و گاهی نیز به انقلاب منجر می‌شود (پارسانیا، ۱۳۸۶: صص ۱۰-۹)، اما هیچ‌یک از این جریان‌ها به دلیل ضعف شناخت از انسان نتوانسته الگوی کامل پیشرفت را ارائه دهد. در سایه الگوی کامل است که مقصد و مسیر براساس آن روشن می‌شود. تعیین این الگو و معیارها و شاخص‌های توسعه بر عهده علوم انسانی است. چگونگی تفسیر هستی‌شناسانه از انسان و اینکه موجودی تک‌ساحتی و یا دو بُعدی شناخته شود، تأثیر عمیقی بر نظام اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دارد و بر همین اساس الگوی توسعه تعیین می‌شود. به همین دلیل حضرت امام خامنه‌ای (حفظه‌الله) می‌فرماید:

«اسلام انسان را موجودی دو ساحتی می‌داند، دارای دنیا و آخرت، این پایه همه مطالبی است که در باب پیشرفت باید در نظر گرفته شود، شاخص عمده این است، فرق عمده این است»^۲.

۱. دیدار حضرت امام خامنه‌ای (حفظه‌الله) با نخبگان جوان، ۱۳۸۵/۰۶/۲۵.

۲. دیدار حضرت امام خامنه‌ای (حفظه‌الله) با استادان و دانشجویان دانشگاه‌های کردستان، ۱۳۸۸/۰۲/۲۷.

بحران علوم انسانی

علوم انسانی در عصر مدرن دچار بحران شدید است. این نوع از علوم یا مطالعات در اواخر قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم در بین متفکران غرب دچار بحران شد. شدت و وخامت آن تا حدی بود که شخصی همچون هوسرل اعلام بحران علم کرد. بحران علوم انسانی را در سه عرصه می‌توان جست‌وجو کرد؛ بحران در هویت، بحران در روش و بحران در غایت. همچنین، در ایران بعد از انقلاب اسلامی که تحولات علمی در آن شتاب داشته است، این بحران‌ها را بهتر می‌توان درک کرد. شاید بتوان بحران‌ها را چالش‌هایی همچون آشوب و ناهنجاری‌های سال‌های ۷۸ و ۸۸ در این راستا بررسی کرد. این نوع از بحران‌ها از عصر مشروطه تاکنون به علت شیفتگی به تمدن غرب در ایران شکل یافت، اما همیشه مورد انتقاد عالمان و مراجع دینی واقع شده است (پارسانیا، ۱۳۸۷: ص ۱۸). با توجه به آنچه گفته شد، اهمیت علوم انسانی برای ایرانیان نیز که اکنون با دستاوردهای تکنولوژی غرب مواجه شده‌اند، مشخص‌تر شده است؛ از این‌رو، در کنار اهمیت‌دادن به علوم تجربی و تکنولوژی نباید از فهم این پدیده‌ها غفلت ورزید.

علوم انسانی در ایران علاوه بر بحران غرب، دچار چالشی دیگر نیز است. علوم وارداتی از غرب در بردارنده مؤلفه‌های فلسفی و فرهنگی آن سرزمین است و با بافت فرهنگی و فلسفی ایران اسلامی سازگار نیست. در آنجا هرکس به کار خویش می‌پردازد و به سود بیشتر برای خود می‌اندیشد اما انسان در اینجا می‌آموزد که اگر مظلومی در آن‌سوی دنیا او را خطاب قرار داد، اگر پاسخ‌نگوید مسلمان نیست (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ص ۱۶۴)؛ از سوی دیگر، علوم وارداتی مبتنی بر حس و تجربه است و ریشه در اصالت استقرا دارد (لازی، ۱۳۹۲: ص ۱۷۴). در اینجا، اندیشمندان منابع معرفتی متعدد همچون وحی، عقل و شهود را در اختیار دارند. در نگاه مسلمانان، معارف تجربی دارای محدودیت‌هایی است (جوادی آملی، ۱۳۸۶: صص ۱۲۷-۱۱۸). این نوع از تعارضات سبب شد که علوم انسانی در ایران با چالشی مضاعف روبه‌رو شود و در بسیاری از موارد نتواند به حل مشکلات جامعه ایران بپردازد. در این رهگذر، جامعه نیز دچار نوعی دوگانگی رفتاری درباره علوم وارداتی و معارف دینی خود شد که بر چالش‌های مربوط به علوم انسانی افزود.

امام خامنه‌ای (حفظه‌الله) و چرایی تحول در علوم انسانی

تحول در علوم انسانی از مهم‌ترین دغدغه‌های نظام اسلامی است. تحول در علوم انسانی به معنای تحول در مبانی، بنیادها، روش‌ها، چینش مفهومی و نگرش به عالم هستی است (خسروپناه، ۱۳۹۴: ج ۱، ص ۴۷)؛ از این‌رو، رهبر معظم انقلاب اسلامی پس از بیانات در جمع

اساتید دانشگاه‌های سراسر کشور در سال ۱۳۸۸ و ابراز نگرانی از تعداد بالای دانشجویان علوم انسانی کشور، کیفیت نامطلوب آموزشی و خلأ منابع اسلامی انسان‌ساز در این حوزه، در سال ۱۳۹۳ در جمع اساتید دانشگاه‌های سراسر کشور تأکید کردند:

«علوم انسانی آن وقتی صحیح و مفید و تربیت‌کننده صحیح انسان خواهد بود و به فرد و جامعه نفع خواهد رساند که براساس تفکر الهی و جهان‌بینی الهی باشد. این امروز در دانش‌های علوم انسانی در وضع کنونی وجود ندارد؛ روی این بایستی کار کرد، فکر کرد. حرف این است که مبنای علوم انسانی غربی، مبنای غیرالهی است. مبنای مادی است. مبنای غیرتوحیدی است. این با مبنای اسلامی سازگار نیست. با مبنای دینی سازگار نیست.»^۱

امام خامنه‌ای (حفظه‌الله) و بایسته‌های الزام‌آور در مدیریت تحول در علوم انسانی
بدیهی است که فقط با گفتن نارسایی‌های علوم انسانی مشکلی حل نخواهد شد و ضرورت دارد پس از توجه به وضعیت ناگوار علوم انسانی، به فکر چاره بود. حضرت امام خامنه‌ای (حفظه‌الله) نیز به ذکر عیوب اکتفا نکرده و در بیانات ارزشمند خویش الزامات و راهکارهایی را در سطوح تکنیکی (فنی)، تاکتیکی (راه‌کنشی) و استراتژیکی (راهبردی) برای برون‌رفت از وضعیت موجود ارائه فرموده‌اند. البته لازم است سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان مربوط، برنامه‌های اجرایی لازم را برای تحقق منویات رهبر معظم انقلاب اسلامی فراهم کنند.

مهم‌ترین الزامات تحول در علوم انسانی از منظر امام خامنه‌ای (حفظه‌الله)

۱. الزامات تکنیکی (فنی)

۱-۱. **تولید علم و نظریه‌پردازی:** یکی از مهم‌ترین ارکان استقلال و پیشرفت کشور تولید علم در همه ابعاد آن است و بدیهی است که از جمله این علوم، علوم انسانی است و همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، از دیدگاه حضرت امام خامنه‌ای (حفظه‌الله) اهمیت استقلال در این علوم اگر بیشتر از علوم پزشکی و فنی نباشد یقیناً کمتر از آن نیست، زیرا این علوم نقشه راه و الگوی توسعه را می‌نمایاند؛ بنابراین، تأکیدات امام خامنه‌ای (حفظه‌الله) در زمینه تولید علم و نهضت

۱. دیدار حضرت امام خامنه‌ای (حفظه‌الله) با اساتید دانشگاه‌های سراسر کشور، ۱۱/۰۴/۱۳۹۳.

نرم‌افزاری که نیازمند بحث مستقلى است شامل علوم انسانی نیز می‌شود. ایشان در دیدار با استادان و دانشجویان دانشگاه‌های کردستان در سال ۱۳۸۸ به همین نکته اشاره کرده و می‌فرمایند:

«البته منظورم فقط علوم طبیعی نیست؛ اهمیت علوم انسانی کمتر از آن نیست:

جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، فلسفه... بنشینید فکر کنید؛ نظریه‌پردازی کنید...»^۱

حضرت امام خامنه‌ای (حفظه‌الله) در جای دیگر می‌فرمایند:

«البته وقتی از علم صحبت می‌شود، ممکن است در درجه‌اول، علوم مربوط به مسائل

صنعتی و فنی به نظر بیاید - که در این دانشگاه هم بیشتر مورد توجه است - اما من به‌طور

کلی و مطلق این را عرض می‌کنم. علوم انسانی، علوم اجتماعی، علوم سیاسی، علوم

اقتصادی و مسائل گوناگونی که برای اداره یک جامعه و یک کشور به‌صورت علمی لازم

است، به نوآوری و نواندیشی علمی - یعنی اجتهاد - احتیاج دارد»^۲.

معظم‌له در دیدار با اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز نیز به همین مسئله اشاره داشتند.^۳

۱-۲. دوری از تحجر علمی: بدیهی است که از مهم‌ترین مقدمات نواندیشی علمی این

است که محقق، بر نظریه‌های گذشتگان جمود نداشته باشد تا بتواند در فضایی باز و بدون تعصب

به تحقیق علمی بپردازد. چنانچه نظریه‌های ارائه‌شده در هر علمی به‌عنوان پیش‌فرض تلقی شود راه

هرگونه رشد علمی بسته می‌شود. همان‌گونه که گذشت حضرت امام خامنه‌ای (حفظه‌الله) یکی از

مصائب علوم انسانی را پذیرش بی‌چون و چرای نظریه‌های دانشمندان غربی دانسته و از آن به‌نوعی

بُت‌پرستی یاد کردند. همچنین، ایشان می‌فرمایند:

«یکی از وظایف مهم دانشگاه‌ها عبارت است از نواندیشی علمی. مسئله تحجر، فقط

بلای محیط و افکار دینی نیست»^۴.

۱-۳. شهادت علمی: از آنجاکه نواندیشی علمی و دوری از جمودگرایی، نیازمند

ساختار شکنی است این امر علاوه بر داشتن معلومات گسترده نیازمند جرأت و شجاعت علمی

است. حضرت امام خامنه‌ای (حفظه‌الله) می‌فرمایند:

«البته برای نوآوری علمی - که در فرهنگ معارف اسلامی از آن به اجتهاد تعبیر می‌شود

- دو چیز لازم است: یکی قدرت علمی و دیگری جرأت علمی. البته قدرت علمی چیز

۱. دیدار حضرت امام خامنه‌ای (حفظه‌الله) با استادان و دانشجویان دانشگاه‌های کردستان، ۱۳۸۸/۰۲/۲۷.

۲. دیدار حضرت امام خامنه‌ای (حفظه‌الله) با استادان و دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ۱۳۷۹/۱۲/۰۹.

۳. دیدار حضرت امام خامنه‌ای (حفظه‌الله) با استادان و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز، ۱۳۸۷/۰۲/۱۴.

۴. دیدار حضرت امام خامنه‌ای (حفظه‌الله) با استادان و دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ۱۳۷۹/۱۲/۰۹.

مهمی است. هوش وافر، ذخیره علمی لازم و مجاهدت فراوان برای فراگیری از عواملی است که برای به دست آمدن قدرت علمی لازم است؛ اما این کافی نیست. ای بسا کسانی که از قدرت علمی هم برخوردارند، اما ذخیره انباشته علمی آنها هیچ جا کاربرد ندارد؛ کاروان علم را جلو نمی برد و یک ملت را از لحاظ علمی به اعتلا نمی رساند؛ بنابراین، جرأت علمی لازم است»^۱.

۲. الزامات تاکتیکی (راه کنشی)

۱-۲. فرهنگ سازی: ایشان در سطح عمیق تر یعنی سطح راه کنشی هم به ارائه راهکار می پردازند. در فضای کنونی دانشگاه ها که علم بیشتر حالت تقلیدی دارد، نظریه پردازی بسیار دشوار است. این مسئله نیازمند ایجاد یک نگاه خاص به علوم انسانی در همه سطوح استادان و دانشجویان است. حضرت امام خامنه ای (حفظه الله) به دنبال تأکید بر نواندیشی و پرهیز از تحجر می فرمایند:

«این را من از این جهت می گویم که باید یک فرهنگ بشود. این نواندیشی، فقط مخصوص اساتید نیست؛ مخاطب آن، دانشجویان و کل محیط علمی هم هست»^۲.

۲-۲. استفاده از دانش های روز با نگاه نقادانه: حضرت امام خامنه ای (حفظه الله) بارها متذکر شده اند که انتقادی که به شیوه دریافت علوم از غربی ها دارند به معنای نفی کامل این علوم نیست. ایشان ارتباط با علوم روز را لازم می دانند ولی هشدار می دهند که این رابطه به شکل یک طرفه و پذیرش تام نباشد؛ بنابراین، باید با نگاه نقادانه آنها را ارزیابی کرد تا معلوم شود قابل پذیرش هستند یا خیر و در صورت پذیرش آیا نیازمند اصلاح هستند یا خیر. ایشان می فرمایند:

«بنشینید فکر کنید؛ نظریه پردازی کنید؛ از موجودی این دانش ها در دنیا استفاده کنیم؛ بر آن چیزی بیفزاییم و نقاط غلط آن را بر ملا کنیم. این از جمله کارهایی است که جزء الزامات حتمی پیشرفت است»^۳.

یکی از گام های اساسی در تحول علوم انسانی، نگاه انتقادی به علوم وارداتی انسانی است

۱. همان.

۲. همان.

۳. دیدار حضرت امام خامنه ای (حفظه الله) با استادان و دانشجویان دانشگاه های کردستان، ۱۳۸۸/۰۲/۲۷.

(خسروپناه، ۱۳۹۴: ج ۱، ص ۵۱)؛ از این رو، تذکر استفاده از علوم غربی همراه با نقد آنها سال‌ها است که توسط امام‌خامنه‌ای (حفظه‌الله) مورد تأکید است. ایشان در سال ۱۳۷۸ دیدار با نخبگان علمی کشور نیز به این مسئله اشاره داشتند.^۱ همچنین، ایشان تأکید می‌ورزند که رابطه علمی ایران اسلامی با غرب در حوزه علوم نیز باید یک رابطه دوسویه باشد. یعنی همان‌گونه که برخی از نظریه‌های آنان پذیرفته می‌شود، جامعه علمی باید آن قدر قوی باشد که بتواند نظریه‌هایی مطرح کند و آنان بپذیرند.^۲

۲-۳. استفاده از میراث علمی فرهنگی داخلی: گام اساسی دیگر در تحول علوم انسانی شناسایی و تدوین میراث علوم اسلامی و کشف الگوها و نظام حاکم بر آن در تمدن است (خسروپناه، ۱۳۹۴: ج ۱، ص ۵۱)؛ بنابراین، توجه به میراث فرهنگی داخلی از دیگر اموری است که باید مورد توجه قرار گیرد، موارث گران‌بهای علمی گذشتگان ایرانی و اسلامی است. البته چگونگی استفاده از این منابع عظیم علمی و فرهنگی و به‌روز کردن آنها فعلاً مورد نظر نیست و باید در جای خود به تفصیل بررسی شود، البته اهمیت آن قابل انکار نیست (همان: ص ۴۹). آنچه در اینجا مهم است اصل توجه به این سرمایه ملی اسلامی ارزشمند است. این مسئله بسیار مهم بارها مورد تأکید حضرت امام‌خامنه‌ای (حفظه‌الله) قرار گرفته است:

«ما در بخشی از رشته‌های علوم انسانی، قرن‌ها جلوتر از دنیا هستیم. خیلی جلوتر از کسانی هستیم که امروز در این رشته در دنیا سرآمد به حساب می‌آیند. چرا اینها را دنبال نکنیم؟ در رشته‌های گوناگون علوم انسانی؛ ادبیات، فلسفه، تاریخ، هنر، ما خیلی سابقه داریم. بعضی از علوم انسانی دیگر هم هست که اگر چه از غرب آمده، اما اگر درست دقت کنیم، خمیرمایه آن، که عبارت از عقلانیت و تجربه‌گرایی است، از تفکر و روح ایرانی-اسلامی است. اروپای خرافاتی نمی‌توانست زیست‌شناسی، اقتصاد، مدیریت، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی را به این شکل تنظیم کند. این، سوغات تفکر علم‌گرایی و تجربه‌گرایی شرق و به‌طور عمده ایران اسلامی بود که رفت در آنجا و به این تحول منتهی شد.»^۳

بومی‌سازی علوم انسانی بدون توجه به مبانی بومی امکان ندارد؛ از این رو، باید پارادایم‌های علم وارداتی مورد توجه قرار گیرد. در علوم انسانی پارادایم‌های متعددی همچون پارادایم‌های

۱. دیدار حضرت امام‌خامنه‌ای (حفظه‌الله) با استادان و دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ۱۳۷۹/۱۲/۰۹.

۲. همان.

۳. دیدار حضرت امام‌خامنه‌ای (حفظه‌الله) با نخبگان جوان، ۱۳۸۶/۰۶/۱۲.

پوزیتیویستی، تفسیری و انتقادی (علی‌پور و حسنی، ۱۳۸۹: صص ۴۹-۳۹) وجود دارد؛ از این رو، ایشان با توجه به پارادایم‌های موجود در علوم انسانی و پس از انتقاد از تقلید کورکورانه از دستاوردهای علمی غرب در زمینه علوم انسانی، توجه محققان را به میراث علمی اسلامی-ایرانی جلب می‌کند.^۱ ایشان در جای دیگر می‌فرمایند:

«شکی نیست که بسیاری از علوم انسانی، پایه‌ها و مایه‌های محکمی در اینجا دارد؛ یعنی در فرهنگ گذشته خود ما».^۲

۲-۴. توجه ویژه به آموزه‌های قرآنی: از مؤلفه‌های دیگر در تحول علوم انسانی، اسلامی‌سازی آن است. در اینجا است که از تعبیر علم دینی استفاده می‌شود. علم دینی تداعی‌کننده معرفتی است که از دین بر می‌خیزد (بستان و همکاران، ۱۳۹۱: ص ۱۲۲). مهم‌ترین منبع معرفتی علم دینی، قرآن است. از توصیه‌های اکید حضرت امام خامنه‌ای (حفظه‌الله)، انجام پژوهش‌های قرآنی در زمینه علوم انسانی و پایه‌گذاری این علوم بر مبنای قرآنی است. از آنجاکه قرآن کتاب هدایت انسان است، او را از جهات مختلف مورد توجه قرار داده است. جهان امروز از علم سکولار رنج می‌برد. در علم سکولار است که اشرفیت انسان زیر سؤال می‌رود (گلشنی، ۱۳۹۳: ص ۲۳)؛ در حالی که در نگاه قرآنی انسان خلیفه الله است (بقره: ۳۰). با توجه به نوع نگاهی که به انسان می‌شود، مبنای انسان‌شناسی تغییر می‌کند و با تغییر در مبنای انسان‌شناسی، علوم مربوط به آن نیز تغییر خواهد یافت؛ در نتیجه، توجه به آموزه‌های قرآنی و ابتدای نظریه‌های مربوط به علوم انسانی بر قرآن نه تنها ممکن بلکه بسیار ضروری است. ایشان در دیدار با بانوان قرآن‌پژوه کشور می‌فرمایند:

«این علوم انسانی را ما به صورت ترجمه‌ای، بدون اینکه هیچ‌گونه فکر تحقیقی اسلامی را اجازه بدهیم در آن راه پیدا کند، می‌آوریم در دانشگاه‌های خودمان و در بخش‌های مختلف اینها را تعلیم می‌دهیم؛ در حالی که ریشه و پایه و اساس علوم انسانی را باید در قرآن پیدا کرد. یکی از بخش‌های مهم پژوهش قرآنی این است. باید در زمینه‌های گوناگون به نکات و دقایق قرآن توجه کرد و مبنای علوم انسانی را در قرآن کریم جست‌وجو کرد و پیدا کرد».^۳

مبنای قرآنی در یک نگاه شامل جهان‌بینی و ایدئولوژی و در نگاه دیگر شامل چهار بخش معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و نظام ارزشی می‌شود. البته در نگاه سنتی می‌توان

۱. دیدار حضرت امام خامنه‌ای (حفظه‌الله) با اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)، ۱۳۸۴/۱۰/۲۹.

۲. همان.

۳. دیدار حضرت امام خامنه‌ای (حفظه‌الله) با جمعی از بانوان قرآن‌پژوه کشور، ۱۳۸۸/۰۷/۲۸.

مبانی را به مبادی معنا کرد که در این صورت شامل مبادی تصویری و تصدیقی می‌شود. با هر نگاه و رویکرد که به قرآن رجوع شود، خدای متعال برای سعادت بشر سخنی متفاوت از علم سکولار ارائه کرده است. با رسمیت یافتن مبانی علم سکولار خشیت عالمانه از خدای متعال در جامعه جایگاهی ندارد (پارسانیا، ۱۳۸۸: ص ۱۵۹). براساس این سخن استفاده از نظریات دیگران متوقف بر این است که پیش از آن پژوهش‌های قرآنی صورت گرفته باشد و نظر قرآن دریافت شده باشد. این تأکید گاهی به شکل عمومی‌تر و با نگاه به آموزه‌های اسلامی از سوی امام‌خامنه‌ای (حفظه‌الله) صورت گرفته است. از منظر ایشان در زمینه علوم انسانی احتیاج به تحقیق و نوآوری است. مفاهیم اساسی‌ای هم که براساس آن می‌توان حقوق، اقتصاد، سیاست و سایر بخش‌های اساسی علوم انسانی را شکل داد و تولید و فرآوری کرد، به معنای حقیقی کلمه در فرهنگ عمیق اسلامی وجود دارد که باید از آن استفاده کرد.^۱

۳. الزامات استراتژیکی (راهبردی)

۳-۱. اعتماد به پژوهشگران داخلی: انجام چنین کار بزرگی یعنی تولید علم و نظریه‌پردازی علمی متناسب با نیازها و فرهنگ ایرانی و اسلامی باید توسط پژوهشگران ایرانی انجام شود و طبیعتاً نمی‌توان انتظار داشت فلان پژوهشگر خارجی بیاید و این کار را برای ما انجام دهد. امام‌خامنه‌ای (حفظه‌الله) با تأکید بر اینکه پژوهشگران ایرانی بهره‌هوش کافی را دارند و می‌توانند چنین کاری انجام دهند؛ می‌فرماید:

«عقب‌ماندگی ما از دنیای پیشرفته از لحاظ علمی، عقب‌ماندگی زیاد و قابل توجهی است؛ این را می‌دانیم، این را می‌فهمیم و از اورنج می‌بریم. علت هم این است که ملت ما یک ملت دارای هوش زیر متوسط نیست که بگوید حالا حق ما است. ملت ما ملتی است که دارای هوش بالای متوسط جهانی است، این حرفی است که ثابت شده، همه می‌گویند. خیلی‌ها ذکر می‌کنند، می‌گویند، آثارش هم مشاهده می‌شود».^۲

با توجه به این نگاه است که ایشان به جوانان توجه خاص دارد و بر استفاده از نیروی جوان تأکید ویژه می‌کنند.^۳

۳-۲. توجه به هدف اصلی (مرجعیت علمی): در هر تحول و فعالیت تحول‌گرایانه

۱. دیدار حضرت امام‌خامنه‌ای (حفظه‌الله) با جمعی از استادان دانشگاه‌های سراسر کشور، ۱۳۸۲/۰۸/۰۸.

۲. دیدار حضرت امام‌خامنه‌ای (حفظه‌الله) با جمعی از استادان دانشگاه علم و صنعت، ۱۳۸۷/۰۹/۲۴.

۳. دیدار حضرت امام‌خامنه‌ای (حفظه‌الله) با جمعی از استادان دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)، ۱۳۸۴/۱۰/۲۹.

آماج‌شناسی اولویت ویژه‌ای دارد. از دیدگاه امام خامنه‌ای (حفظه‌الله) مقصود از نواندیشی علمی در علوم انسانی صرفاً ارائه چند نظریه در کنار نظریه‌های دیگران نیست. از دیدگاه ایشان هدف اصلی این حرکت باید فتح قله‌های علمی جهانی و رسیدن به مرجعیت علمی باشد. یعنی باید به جایی رسید که حرف اول را در جهان علم زد و دیگران برای رفع نیاز علمی خود به سراغ مراکز علمی ایران اسلامی رجوع کنند. ایشان می‌فرمایند:

«کشور باید به عزت علمی برسد. هدف هم باید مرجعیت علمی باشد در دنیا؛ همین‌طور که بارها عرض کرده‌ایم. یعنی همین‌طور که شما امروز ناچارید برای علم و دستیابی به محصولات علمی به دانشمندان، به کتاب‌هایی مراجعه کنید که مربوط به کشورهای دیگرند، باید به آنجا برسیم که جوینده دانش و طالب علم مجبور باشد بیاید سراغ شما، سراغ کتاب شما؛ مجبور باشد زبان شما را یاد بگیرد تا بتواند از دانش شما استفاده کند».^۱

۳-۳. حرکت بی‌وقفه و شتابان: بدیهی است برای رسیدن به هدف عالی مرجعیت علمی نمی‌توان به دستیابی به برخی افتخارات هرچند بزرگ، غره شد بلکه برای وصول به این مقصود بزرگ، حرکتی سریع، مستمر و شتابان لازم است. امام خامنه‌ای (حفظه‌الله) بعد از ایجاد جهش علمی درباره ادامه آن می‌فرماید:

«آنچه مهم است این است که این جهش باید ادامه پیدا کند. ما در زمینه مسائل علمی دچار عقب‌ماندگی مزمن هستیم. آنچه اهمیت دارد - که من حالا بعد هم عرض خواهم کرد - مسئله ادامه حرکت سریع است. ما باید این سرعت و شتابی را که در حرکت علمی ما وجود دارد، سال‌ها ادامه بدهیم، هیچ جایز نیست که ما اندکی توقف کنیم».^۲

۳-۴. ضرورت برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری: انجام چنین حرکتی نیازمند برنامه‌ریزی از سوی مسئولان ذی‌ربط است. سرمایه‌گذاری برای انجام پژوهش‌های بنیادین، ساماندهی پژوهش‌ها، جذب و تربیت پژوهشگران ویژه و... از جمله اموری است که اجتناب‌ناپذیر است. مسئول اصلی این حرکت نیز از دیدگاه امام خامنه‌ای (حفظه‌الله) شورای عالی انقلاب فرهنگی است. ایشان در سال ۱۳۸۴ در دیدار اعضای این شورا با لحنی گلایه‌آمیز، مسئولیت اصلی را متوجه آنان کرده و می‌فرمایند:

«ما باید در زمینه علوم انسانی یک کار اساسی کنیم و این حرف، حرفی نیست که امروز به ذهن کسی رسیده باشد؛ نه، این حرف، سال‌ها است که گفته شده و باید تحقق پیدا

۱. دیدار حضرت امام خامنه‌ای (حفظه‌الله) با جمعی از استادان دانشگاه علم و صنعت، ۱۳۸۷/۰۹/۲۴.

۲. همان.

کند. چه کسانی باید این کار را بکنند؟ این مجموعه حاضر و همان مجموعه‌ای که ما انشاء‌الله پیش خدای متعال با آنها احتجاج خواهیم کرد و امیدواریم از عهده احتجاج هم بر بیایند؛ اگر خدای متعال سؤال کرد».^۱

ایشان در همان سال در دیدار با اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) جلسه خود با شورای عالی انقلاب فرهنگی اشاره می‌کنند و مسئله ذکر شده را در عرصه‌ای عمومی تر از شورای مذکور متذکر می‌شوند.^۲

حضرت امام خامنه‌ای (حفظه‌الله) و مدیریت راهبردی در تحول علوم انسانی

شورای عالی انقلاب فرهنگی در سخنان امام خامنه‌ای (حفظه‌الله) به‌عنوان مرکز مهندسی فرهنگی معرفی می‌شود. فلسفه وجودی شورای عالی انقلاب فرهنگی، فهم، تبیین، تثبیت و انفاذ ماهیت فرهنگی انقلاب اسلامی، بازآرایی مداوم جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی و پایش پیشرفت‌های فرهنگی کشور متناسب با ظرفیت‌ها و شایستگی‌های عظیم ایران اسلامی و انقلابی است. مدیریت راهبردی چالش‌های این حوزه با «استفاده کامل و کارآمد و هم‌افزا از همه فرصت‌ها و ظرفیت‌ها» و نیز «مهار تهدیدها و آسیب‌ها با نگاه حکیمانه و معقول» و «مواجهه هوشمندانه با معارضات مهاجمان و ستیزه‌گران» از جمله تکالیف اصلی این شورا است. عرصه‌های کلیدی و اساسی همچون تولید علم، سبک زندگی، آموزش و پژوهش، فرهنگ عمومی و مهندسی فرهنگی حوزه‌های مهمی هستند که ساماندهی آن در جمهوری اسلامی به شورای عالی انقلاب فرهنگی سپرده شده است.

تحول و ارتقای علوم انسانی، مهندسی فرهنگی و موضوع تحول و نوسازی در نظام آموزشی و علمی کشور اعم از آموزش عالی و آموزش و پرورش، و تحول در علوم انسانی که در دوره‌های گذشته نیز مورد تأکید بوده است، هنوز به سرانجام مطلوب نرسیده است. به‌تعمیق افتادن این امور خسارت بزرگی متوجه انقلاب اسلامی خواهد کرد؛ از این رو، باید این امور جدی‌تر گرفته شده و با یک بازنگری و برنامه‌ریزی جدید طی مدت‌زمان معقول و ممکن به سرانجام خود برسد.^۳ حضرت امام خامنه‌ای (حفظه‌الله) در سال ۱۳۹۳ در دیدار با اساتید دانشگاه‌های سراسر کشور به تبیین ابعاد مسئله می‌پردازند.^۴

۱. دیدار حضرت امام خامنه‌ای (حفظه‌الله) با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳/۱۰/۱۳۸۴.

۲. دیدار حضرت امام خامنه‌ای (حفظه‌الله) با جمعی از استادان دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)، ۲۹/۱۰/۱۳۸۴.

۳. حکم آغاز دوره جدید شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۲۶/۰۷/۱۳۹۳؛ از سوی حضرت امام خامنه‌ای (حفظه‌الله).

۴. دیدار حضرت امام خامنه‌ای (حفظه‌الله) با جمعی از استادان دانشگاه‌های سراسر کشور، ۱۱/۰۴/۱۳۹۳.

شورای عالی انقلاب فرهنگی و مأموریت‌های راهبردی

شورای عالی انقلاب فرهنگی به‌عنوان مرکز مهندسی فرهنگ جامعه اسلامی ایران، برای خود حوزه مأموریتی بسیار مهمی دارد که در حکم امام خامنه‌ای (حفظه‌الله) برای شورای عالی انقلاب فرهنگی آمده است. براساس بیانات ایشان حوزه‌های مأموریتی این شورا، تلاش‌های شورا در پیگیری اولویت‌های ابلاغی در سال‌های گذشته، جبهه‌بندی جدی میان هواداران فرهنگ انقلابی و اسلامی و معارضان عنود با انگیزه آن، برعهده داشتن نقش حلقات مکمل و تسهیل‌گر و الهام‌بخش را در فعالیت‌های خودجوش و فراگیر مردمی عرصه فرهنگ، ارتقای کمی و کیفی مصرف و تولید محصولات و کالاهای فرهنگی با سیاست‌گذاری‌های درست و اقدام پیگیر و مستمر و به‌صحنه آوردن همه ظرفیت‌های ملی این عرصه، پیگیری جدی پیشرفت و شتاب حرکت علمی و فناوری کشور، مهندسی فرهنگی و موضوع تحول و نوسازی در نظام آموزشی و علمی کشور اعم از آموزش عالی و آموزش و پرورش، نیز تحول در علوم انسانی، تشکیل منظم و به‌موقع جلسات شورای عالی، حضور فعال و با مطالعه و سازنده اعضا به‌ویژه رؤسای محترم قوا در جلسات و مباحث شورا و صرف وقت و همت کافی توسط همه اعضا به‌ویژه اعضای حقیقی را شامل می‌شود.^۱

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر، تصویری کلی از وضعیت مدیریت تحولات علوم انسانی را نشان می‌دهد. یافته‌ها حاکی از آن است که علوم انسانی در دانشگاه‌های ایران با مسائل و چالش‌های بسیاری روبه‌رو است. ازجمله این مسائل می‌توان به مبانی مادی و ضد دینی، ماهیت غربی، الگوگیری بی‌قید و شرط از نظریه‌ها و تولیدات غربی و نادیده‌انگاشتن جایگاه و منزلت نخبگان، دانش‌آموختگان، مؤسسات و تولیدات علوم انسانی اشاره کرد. حضرت امام خامنه‌ای (حفظه‌الله) ضمن برشمردن چالش‌های مذکور و تأثیرات نامطلوب و نگران‌کننده آنها، به ارائه راهکارهای عملی در جهت بهبود وضعیت علوم انسانی می‌پردازند. مهم‌ترین این راهکارها از منظر ایشان، استخراج مبانی علوم انسانی از دین، بومی‌سازی علوم انسانی، نظریه‌پردازی، تولید علم و نوآوری‌های علمی در علوم انسانی و توجه کافی به جایگاه نخبگان، دانش‌آموختگان، مؤسسات و تولیدات علوم انسانی است. از دیدگاه امام خامنه‌ای (حفظه‌الله)، دانشمندان و پژوهشگران علوم انسانی در ایران اسلامی

۱. حکم آغاز دوره جدید شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۳/۰۷/۲۶، از سوی حضرت امام خامنه‌ای (حفظه‌الله).

نمی‌توانند بدون استخراج مبانی علوم از قرآن و به‌کارگیری دستاوردهای غربی در کنار آن، بنای رفیع و مستحکمی از علوم انسانی را پایه‌گذاری کنند. در این زمینه، میراث عظیم و عمیق فرهنگی و تفکرات دینی و ملی باید در تولید علم و نظریه و به‌طور کلی ساختمان علوم انسانی مورد توجه قرارگیرد؛ علوم بهره‌مند از تفکر اسلامی نباید در دانشگاه‌ها منزوی شوند؛ اساتید و دانشجویانی که تحقیقاتشان دارای مایه اسلامی است باید در محیط‌های علمی و دانشگاهی مورد تکریم و احترام قرار گیرند و مسئولان ذی‌ربط نیز تدوین علوم انسانی بر پایه تفکر و جهان‌بینی اسلامی را در اولویت وظایف خود قرار دهند؛ از این رو، تحول در علوم انسانی دربر دارنده رهیافت‌ها و راهبردهایی است.

مدیریت تحولات در علوم انسانی از منظر امام‌خامنه‌ای (حفظه‌الله) دربر دارنده رهیافت‌ها و راهبردهایی است که عبارت‌اند از:

۱. فراهم کردن زمینه لازم برای نظریه‌پردازی و نقد و بررسی ایده‌ها تحت نظارت استادان فن؛
۲. تبیین ضرورت هم‌اندیشی در مسائل علمی و فرهنگی حوزه و دانشگاه؛
۳. هماهنگ کردن تولید علم و مأموریت حوزه و دانشگاه در راستای تمدن‌سازی اسلامی؛
۴. ایجاد مهارت تفکر انتقادی در سطوح مختلف آموزشی به‌ویژه آموزش عالی؛
۵. توجه به اشتغال دانش‌آموختگان علوم انسانی به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین راهبردهای برنامه توسعه؛
۶. تبیین اهمیت علوم انسانی و تصحیح نگرش نادرست خانواده‌ها و نهادهای کشور درباره این علوم؛
۷. جذاب‌سازی رشته‌های علوم انسانی برای دانش‌آموزان با استفاده از قراردادن امتیازهایی در آن رشته‌ها و جذب دانشجویان مستعد؛
۸. ایجاد تعادل بین پذیرش دانشجو و میزان اشتغال در جامعه و متناسب کردن ضریب افزایش پذیرش دانشجو با برنامه‌های توسعه؛
۹. دایرکردن رشته‌های مشترک بین علوم انسانی؛ علوم تجربی و علوم مهندسی در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی؛
۱۰. فراهم کردن بستر مناسب برای توجه به اصل تولید علم به‌عنوان هسته اصلی دیدگاه امام‌خامنه‌ای (حفظه‌الله) و خارج کردن حوزه و دانشگاه از هرگونه شک و تردید در این زمینه؛
۱۱. ترویج آزادی تفکر، تبادل آرا، ایجاد رقابت میان اندیشه‌ها، تشکیل مناظره‌های قانونمند، کرسی‌های نظریه‌پردازی و اتاق‌های فکر دانشجویی همراه با احساس امّیت؛

۱۲. تقدیر بایسته از نخبگان نظریه‌پردازان و نوآوران علوم انسانی و تبدیل نظریه‌پردازی و تولید علم به یک ارزش عمومی؛
۱۳. طراحی جایزه علمی سال برای نخبگان و دانشجویان مستعد رشته‌های مختلف علوم انسانی؛
۱۴. سرمایه‌گذاری در جهت تولید آثار علوم انسانی توسط مراکز تصمیم‌گیری، اعم از دولت، مجلس و شورای عالی انقلاب فرهنگی؛
۱۵. توجه بیشتر به استادان دانشگاه‌ها و دیدگاه‌های نخبگان در تصمیم‌گیری‌های علمی‌پژوهشی؛
۱۶. ایجاد امکانات لازم از جمله امکان تحصیل در سطوح عالی برای استعدادها، جوان، توجه به استعدادها، مناطق محروم و توجه به عدالت اجتماعی به‌عنوان زمینه پرورش حقیقی استعدادها، جوان؛
۱۷. توجه کامل به نقشه جامع علمی کشور به‌عنوان نقشه راه تبدیل ایران به مرجع علمی جهان؛
۱۸. تقویت شرکت‌های دانش‌بنیان برای فاصله‌گرفتن از اقتصاد متکی بر نفت؛
۱۹. آمادگی استادان و محققان برای همکاری در رفع هرگونه مشکل و نقیصه احتمالی بر اثر تحریم‌ها؛
۲۰. تشکیل دانشگاه‌های حکمت‌بنیان به‌عنوان نسل جدید نوآور و پیشتاز مراکز علمی؛
۲۱. احیای طب سنتی به‌عنوان انتقال منطقی تجارب نسل‌های مختلف تاریخ ایران؛
۲۲. توجه بیشتر به «علوم انسانی» به‌عنوان زیربنای رشد حقیقی کشور؛
۲۳. بازنگری جدی در منابع و رشته‌های علوم انسانی برای ایجاد تحول و تغییر روزآمد در این رشته‌ها؛
۲۴. توجه به اندیشمندان علوم انسانی در رده‌های مدیریتی و تصمیم‌گیری؛
۲۵. پیشنهاد ایجاد وزارتخانه علوم انسانی یا معاونت علوم انسانی در وزارت علوم؛
۲۶. برخورد هوشمندانه با مقوله جنگ نرم و ارائه نظریه‌های متکی بر منابع اسلامی-ایرانی به‌عنوان راهبرد اصلی مقابله با تهدید نرم؛
۲۷. دورنگری و هوشمندی در مواجهه با ترکیب جمعیت دانشجویی کشور؛
۲۸. تلاش برای گسترش و تعمیم جنبش پُرونیق علمی کشور به بدنه جمعیت دانشجویی؛
۲۹. رشد کاملاً چشمگیر کشور در عرصه‌های مختلف پزشکی-درمانی در مقایسه با استانداردهای جهانی؛

۳۰. ضرورت ایجاد جنبش عقلی و فکری در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی؛
۳۱. ایجاد حلقه‌های بحث و گفت‌وگو در میان اصحاب و سران فکر و تعقل و اندیشه؛
۳۲. تلاش بیشتر برای تربیت نیروهای متخصص در زمینه علم اقتصاد اسلامی؛
۳۳. نیاز به ساختارهای جدید و مدیریت یکپارچه در حوزه علم و فناوری؛
۳۴. تسلط کمپانی‌های سرمایه‌داری غربی بر فعالیت‌ها و پیشرفت‌های پزشکی جهان؛
۳۵. ایجاد نهادی برای طراحی و معماری برنامه‌های بلندمدت استراتژیک در مقاطع چند ده‌ساله؛
۳۶. کارآموزی دانشجویان فنی در صنایع کشور به‌عنوان روشی برای ارتباط بیشتر دانشگاه‌ها و صنایع.



کتابنامه

• قرآن کریم.

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴). لسان العرب. محقق و مصحح جمال الدین میردامادی. ۱۵ جلدی. ج ۴. بیروت. انتشارات دارالفکر و النشر و التوزیع-دارصادر. چاپ سوم.
۲. بستان، حسین؛ فتحعلی خانی، محمد؛ گائینی، ابوالفضل. (۱۳۹۱). گامی به سوی علم دین. ج ۱. قم. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. چاپ سوم.
۳. پارسانیا، حمید. (۱۳۸۶). هفت موج اصلاحات. قم. مؤسسه بوستان کتاب. چاپ اول.
۴. _____ (۱۳۸۷). عرفان و سیاست. قم. مؤسسه بوستان کتاب. چاپ دوم.
۵. _____ (۱۳۸۸). علم و فلسفه. تهران. سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. چاپ پنجم.
۶. جمعی از نویسندگان. (۱۳۸۹). مبانی اندیشه اسلامی (۳-انسان؛ راه و راهنماشناسی). قم. انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمة الله). چاپ اول.
۷. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۶). منزلت عقل در هندسه معرفت دینی. قم. مرکز نشر اسراء. چاپ دوم.
۸. چالمرز، آلن اف. (۱۳۸۵). چیستی علم. ترجمه سعید زیباکلام. تهران. سمت. چاپ هفتم.
۹. خسروپناه، عبدالحسین. (۱۳۹۴). در جستجوی جوی علوم انسانی. ج ۱. قم. نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها. دفتر نشر معارف. چاپ دوم.
۱۰. علی پور، مهدی؛ حسنی، سیدحمیدرضا. (۱۳۸۹). پارادایم اجتهادی دانش دینی «پاد». قم. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. چاپ اول.
۱۱. عمید، حسن. (۱۳۷۱). فرهنگ عمید. تهران. انتشارات امیرکبیر. چاپ دوم.
۱۲. قرائتی، محسن. (۱۳۸۳). تفسیر نور. تهران. مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن. چاپ یازدهم.
۱۳. کلینی، محمدبن یعقوب بن اسحاق. (۱۴۰۷). الکافی. مصحح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی. ۸ جلدی. ج ۲. تهران. دارالکتب الإسلامیه. چاپ چهارم.
۱۴. گلشنی، مهدی. (۱۳۹۳). از علم سکولار تا علم دینی. تهران. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. چاپ هفتم.
۱۵. لازمی، جان. (۱۳۹۲). درآمدی تاریخی به فلسفه علم. ترجمه دکتر علی پایا. تهران. سازمان انتشارات و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت). چاپ هفتم.
۱۶. مدنی شیرازی، علی خان بن احمد. (۱۳۸۴). الطراز الأول و الكنز لما علیه من لغة العرب المعول. ۹ جلدی. ج ۷. مشهد. مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث. چاپ اول.
۱۷. مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۹۳). رابطه علم و دین. قم. انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمة الله). چاپ دوم.
۱۸. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۳). ترجمه قرآن. قم. دارالقرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی). چاپ دوم.

۱۹. نبویان، سید محمود. (۱۳۸۷). جستارهایی در باب دین و دنیای مدرن. قم. پرتو ولایت. چاپ دوم.
20. Copleston, Fredrick Charles. 1994 . **A History of philosophy Webster Merriam, collegiate dictionary.** springfiled, Massachusetts, U.S.A, Eleventh Edition. 2003.
۲۱. پایگاه اطلاع رسانی حضرت امام خامنه‌ی (حفظه الله). www.khamenei.ir.
۲۲. پایگاه اطلاع رسانی شبکه خبر. www.irinn.ir.

